

### هو الله

ای عزیز عبدالبهاء امید از دلبر فرید چنان است که آواره وحید در ظلّ ظلیل ربّ جلیل محفوظ و مستریح باشند مدّتی است که از آنجناب چندان خبر که منتظر است نرسید بعضی اوقات مکتوبی که بجناب منشادی مرقوم میفرمائید ارسال مینماید و دل‌های تشنه را شبمی گردد تا آنکه چند روز پیش بواسطه جناب منشادی تلغرافی ارسال شد و از احوال شما استفسار گشت و هنوز جواب نرسیده

کتابی که سال گذشته ارسال نموده بودی بخطّ بسیار خوشی در طهران طبع شد و در جمیع ایران انتشار یافت و هر کس بنهایت سرور و حبور شب و روز قرائت نمود و کل حسب الوعد منتظر جلد ثانی هستند ولی هنوز بسبب مشغولیت ظهور و بروز ننمود فی الحقیقه کتاب باقی کافی وافی آن رساله است که الی الأبد سبب صیت و صوت سرمدی و باعث نورانیت وجه در جهان الهی است عبدالبهاء در بحبوحه بلا بطبع و نشر آن در طهران پرداخت ملاحظه فرمائید که چه قدر اهمّیت داد و یک نسخه از آن نزد شما ارسال گشت ولی اشاره‌ئی بوصول نمودند

ای عزیز شکر کن خدا را که بخدمت جمال ابهی پرداختی و بنده و آشفته آن دلبر مهربان هستی اینست باقی و برقرار در این جهان هزاران سیاسیون آمدند و رفتند و نشریات بسیار مهمّ در روی زمین نمودند و الآن لا تجد لهم ذکراً و لا اثراً ملکم خان علیه الرّحمة و الرّضوان پنجاه سال بنشریات سیاسی پرداخت و ایران را مملوّ از روزنامه قانون نمود و مؤسس تحریک افکار گشت عاقبت دیگران در میان آمدند و های و هوی بلند نمودند و زحمات پنجاه ساله و دربدری و آوارگی او این شد که در وقت شدت مرض آنچه نوشت و خواست که یک نفر از رفقای ایران در وقت وفات حاضر شود و وصیتهای آن آواره را بشنود ممکن نشد در اوتل در نهایت یأس و ناامیدی و گله از یاران ایرانی فوت شد رحمة الله علیه فی الحقیقه آن بیچاره از منصب عظمی و لقب نظام الدوله و عزّت و اقبال در ایران محروم شد و در جهان سیاسی طرفی نه‌بست و ثمری ندید و نامی که منتها آرزوی او بود نیافت مأیوس و محزون از اینعالم رفت و هر یک از جمهوری‌طلبان خود را اعظم از او می‌شمرد ع ع